

"الزام اجرایی آراء نهادهای حل اختلاف بورس در حقوق ایران و استرالیا"

- دکتر سیدعلی سیداحمدی سجادی
- دکتر علی اصغر صالحی

چکیده:

بورس اوراق بهادار در ایران، با درک نیاز اتصال سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها به یکدیگر، به دنبال تجربیات موفق کشورهای خارجی راه اندازی و نقشی حیاتی در اقتصاد بازی می‌کند. در طی توسعه بازارهای بورس اوراق بهادار، اختلافات بسیاری بین طرف‌های درگیر در این بازارها، شکل گرفته است. اگرچه دعوی حقوقی رایج‌ترین روش حل اختلاف در بسیاری از نظام‌های حقوقی است، در برخی از نظام‌های قضایی مشکلاتی در رابطه با دعوی حقوقی وجود دارد. فلذا، اعضای بورس‌های اوراق بهادار به طور روزافزونی به مصالحه، میانجی‌گری و داوری (راه‌های جایگزین حل اختلاف (ADR)) برای حل اختلافات خود متوسل می‌شوند. تفاوت‌های بسیاری بین روش‌های ADR متداول، با داوری و میانجی‌گری که در بورس اوراق بهادار وجود دارد و همچنین تفاوت‌هایی بین کشورهایی که آن‌ها را استفاده می‌کنند وجود دارد.

در بورس اوراق بهادار ایران، نهادهای حل اختلاف نخستین بار توسط قانون ۱۳۴۵ معرفی گردیدند. با این حال، آن‌ها در قانون بازار ۱۳۸۴ تغییر کردند و میانجی‌گری و داوری تبدیل به روش‌های حل اختلاف اوراق بهادار گشتند. از سوی دیگر، سازمان‌های حل اختلاف خارجی (EDR) در استرالیا انواع مختلفی از تکنیک‌های ADR را برای بررسی چنین اختلافاتی به کار می‌برند. در ایران شاکیان باید اختلاف خود را در محاکمی ببرند که توسط قانون بازار اوراق بهادار مشخص شده است. در مقابل، در سیستم استرالیا، طرفین پس از این که از فرآیند IDR عبور کردند می‌توانند انتخاب کنند که به سازمان EDR رجوع کنند. FOS و CIO در استرالیا به عنوان سازمان‌های EDR تأسیس گشته‌اند.

کلمات کلیدی: بورس اوراق بهادار، حل اختلاف، هیأت داوری، داوری

-
- عضو هیأت علمی (استادیار) دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی)
 - دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) و مدرس دانشگاه

۱. مقدمه

بازار سرمایه که بخشی از آن شامل بورس سهام می‌شود، یک نقطه همگرایی عرضه و تقاضا است. عرضه‌کنندگان کسانی هستند که پول برای سرمایه‌گذاری در بازارها در اختیار دارند و در قبال آن اوراق بهادار دریافت می‌کنند. در طی توسعه بازارهای بورس اوراق بهادار در قرن بیستم، اختلافات بسیاری بین طرف‌های درگیر در این بازارها، شکل گرفته است.

از منظر حقوقی، مبادلات سهام به مانند هر مبادله دیگری ممکن است منجر به اختلاف گردد. اگرچه به نظر می‌رسد که جهت رفع این‌گونه اختلافات، دعوای حقوقی بهترین روش حل اختلاف در بسیاری از نظام‌های حقوقی است، اما باید بیان نمود که مشکلاتی در رابطه با دعوای حقوقی وجود دارد. این مشکلات شامل زمان زیاد مورد نیاز برای فرآیند دعوای حقوقی، عدم توانایی قانون و دادگاه در به روز نگه داشتن خود همگام با دنیای تجارت، بالا بودن هزینه اغلب دعوای حقوقی، مسائل مربوط به صلاحیت دادگاه و انتخاب قوانین در سطوح بین‌المللی، عدم تخصص عمده قضات دادگاه‌های ملی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین فضای خشک و رسمی دعوای حقوقی می‌باشند.

فلذا با توجه به مطالب پیش‌گفته، فعالان بورس‌های اوراق بهادار علاقه‌مندند که به طور روزافزونی به مصالحه، میانجی‌گری و داوری برای حل اختلافات خود متوسل شوند که این‌گونه روش‌ها را که جدای از دعوای رایج حقوقی می‌باشند راه‌های جایگزین حل اختلاف (ADR)^۱ می‌نامند که البته جایگزین خواندن این راه‌ها به معنی جایگزینی روش قضایی می‌باشد. البته باید توجه داشت که مصالحه و میانجی‌گری، در صورت به کارگیری، روش‌هایی عاری از رویه خاص و یا قیود اجباری برای طرفین هستند که در نتیجه، عمده روشی که منتهی به رأی و الزام اجرایی متعاقب آن می‌گردد روش داوری می‌باشد.

اگر فرآیند داوری، منجر به رأی مالی یا دیگر شکل‌های جبران شود، دو حالت ممکن است که پیش روی محکوم‌له قرار گیرد. اولین حالت این است که محکوم‌علیه با طوع و رغبت نسبت به اجرای رأی داوری اقدام نماید که در این صورت محکوم‌له مشکلی در خصوص اجرا و فرآیند پیچیده مربوط بدان نخواهد داشت. البته در همین جا باید اشاره نمود که در انگیزه محکوم‌علیه در اجرای داوطلبانه رأی داوری علل گوناگونی می‌تواند دخیل باشد از جمله اینکه اگر محکوم‌علیه از جمله شرکت‌های مثبت در بازار سرمایه و

¹ Alternative Dispute Resolution (ADR)

تحت نظارت ارکان نظارتی مربوطه باشد نوع تعامل شرکت، با نهاد ناظر و همچنین میزان سخت‌گیری مقررات انضباطی در خصوص شرکت مزبور در ارتباط با حفظ حقوق سهامداران و سرمایه‌گذاران، بسیار در این امر مؤثر می‌باشد. دومین حالتی که ممکن است پیش روی محکوم‌له قرار بگیرد این است که محکوم‌علیه، رأی داوری را به صورت داوطلبانه اجرا ننماید که در این صورت نیاز به طی کردن فرآیند پیچیده اجرای رأی داوری می‌باشد که در این صورت، طرف برنده (محکوم‌له) احتمالاً برای اجرای تصمیم، تلاش خواهد کرد. روش‌های اجرای چنین آرای بین ایران و استرالیا متفاوت است که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. اجرای آراء داوری در بازار اوراق بهادار ایران

پیش از بررسی الزام اجرایی آرای داوری در بازار اوراق بهادار ایران می‌بایست با راهبردها و اصول فرآیند صدور رأی داوری در این بازار آشنا گردیده و بر اساس این فرآیند، ماهیت نهاد حل اختلاف این بازار را شناسایی نموده و سپس بحث الزام اجرایی آراء را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

۲.۱. فرآیند صدور رأی

ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ بیان می‌دارد:

"اختلافات بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها، توسط هیأت داوری رسیدگی می‌شود."

نخستین برداشت از ماده فوق این است که هیچ‌یک از طرفین اختلاف ناشی از فعالیت حرفه‌ای، اختیاری در انتخاب روش حل اختلاف ندارند و در قانون جدید بازار اوراق بهادار ایران دو نهاد، دارای صلاحیت حل اختلاف با روش‌های خاص و قلمرو حقوقی ویژه خود می‌باشند. طرفین اختلاف ابتدا باید به کانون‌ها مراجعه کنند و در صورتی که به راه حل نرسیدند و دعوای آن‌ها در کانون مربوطه منتهی به صدور گواهی عدم سازش گردید، باید اختلاف خود را به هیأت داوری ارجاع دهند.

۲.۱.۱. کانون‌ها

بند ۵ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، بیان می دارد:

" کانون‌های کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر مجامع مشابه، تشکل‌های خود انتظامی است که به منظور تنظیم روابط بین اشخاصی که طبق این قانون به فعالیت در بازار اوراق بهادار اشتغال دارند، طبق دستورالعمل‌های مصوب سازمان بورس اوراق بهادار به صورت مؤسسه غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی به ثبت می‌رسند."

در حقیقت، کانون‌ها انجمن‌های حرفه‌ای فعال در بازار اوراق بهادار هستند که به تناسب صنف و صلاحیت، خدمات تخصصی یا نظارت‌های مربوط انجام می‌دهند. کانون‌ها فی‌نفسه فعالیت حرفه‌ای همچون نقش واسطه‌گری در معاملات یا ارائه مشاوره و سبدگردانی یا انتشار اوراق بهادار و سایر وظایفی که در محدوده وظایف اعضاء است انجام نمی‌دهند. مثلاً کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار به کارگزاران، که اعضای خود به شمار می‌روند خدمت ارائه یا نظارت خواهد کرد و این کانون تکلیفی به ارائه خدمات به سایر فعالان بازار همچون سرمایه‌گذاران، ناشران و ... نداشته و نظارتی نیز بر آن‌ها نخواهد داشت.^۲

جمله آخر ماده ۳۶ قانون فوق‌الذکر نشان از این دارد که تمام اختلافات، پیش از ارجاع به هیأت داورى باید در کانون مطرح شود. بنابراین، کانون‌ها و هیأت داورى، دارای صلاحیت قضایی در مورد اختلافات یکسان بازار اوراق بهادار می‌باشند اگرچه رویکردهای متفاوتی را برای حل آن‌ها به کار می‌بندند.

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ در راستای اجرای ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و بند ۵ ماده ۷ اساسنامه کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار، دستورالعملی ۱۷ ماده‌ای به پیشنهاد کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار با عنوان "دستورالعمل کمیته سازش کانون کارگزاران بورس اوراق بهادار" به تصویب هیأت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار رسید. این دستورالعمل مرجع اصلی رویه‌ها و حوزه قضایی کانون کارگزاران به عنوان اصلی‌ترین کانون بازار سرمایه ایران است. براساس ماده ۱۲ دستورالعمل فوق، کانون صلاحیت صدور هیچ‌گونه رأی یا حکمی را ندارد. آن‌ها تنها می‌توانند "گواهی سازش" یا "گواهی عدم سازش" را منتشر کنند. شاکیان برای شروع فرآیند خود در هیأت داورى نیاز به گواهی عدم سازش دارند.

۲.۱.۲. هیأت داورى

^۲ میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، ص ۷۲

همان‌گونه که گذشت ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد:

"اختلافات بین "کارگزاران"، "بازارگردانان"، "کارگزار/معامله‌گران"، "مشاوران سرمایه‌گذاری"، "ناشران"، "سرمایه‌گذاران" و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در "کانون"ها توسط "هیأت داورى" رسیدگی می‌شود."

همان‌گونه که از عبارات و اصطلاحات به کار رفته در ماده قانونی فوق برمی‌آید، حوزه قضایی تخصیص یافته به محفل داورى در بازار اوراق بهادار، یک منشأ قانونی دارد تا یک منشأ توافقی. اعضای هیأت داورى را نیز طرف‌های اختلاف نمی‌توانند انتخاب کنند یعنی اختیاری برای طرفین در انتخاب داوران در نظر گرفته نشده است. چراکه ماده ۳۷ قانون مزبور، بیان می‌دارد:

"هیأت داورى متشکل از سه عضو می‌باشد که یک عضو توسط رئیس قوه قضاییه از بین قضات باتجربه و دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس اوراق بهادار و تأیید شورای عالی بورس به اختلافات رسیدگی می‌نماید. رئیس قوه قضاییه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک، عضو علی‌البدل، تعیین و معرفی می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داورى شرکت نماید. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد.

تبصره ۱- ریاست هیأت داورى با نماینده قوه قضاییه خواهد بود.

تبصره ۲- مدت مأموریت اعضای اصلی و علی‌البدل دو سال می‌باشد و انتخاب مجدد آنان حداکثر برای دو دوره دیگر بلامانع است.

تبصره ۳- هیأت داورى دارای دبیرخانه‌ای است که در محل سازمان تشکیل می‌گردد.

تبصره ۴- بودجه هیأت داورى در قالب بودجه سازمان منظور و پرداخت می‌شود.

تبصره ۵- آرای صادر شده از سوی هیأت داورى قطعی و لازم‌الاجراء است و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دواير اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد."

در خصوص هر پرونده‌ای که از سوی کانون کارگزاران مربوطه مورد رسیدگی قرار گرفته باشد و نهایتاً در مورد آن گواهی عدم سازش صادر گردیده باشد، پرونده مربوطه در صورت تمایل به ادامه رسیدگی، از

سوی خواهان در هیأت داوری مطرح و پس از تکمیل و پرداخت هزینه دادرسی، طرفین اختلاف توسط دبیرخانه هیأت داوری بر اساس نوبت اوقات رسیدگی، برای رسیدگی دعوت می‌شوند. رسیدگی به هر پرونده در اختیار قاضی و دو عضو مالی می‌باشد که پس از جلسه رسیدگی، در صورتی که پرونده معدّ صدور رأی باشد، رأی مربوطه را اصدار می‌نمایند در غیر این صورت، اگر پرونده نیاز به مقدماتی از جمله انجام کارشناسی، استعلام و غیره داشته باشد، نسبت به انجام مقدمات، اقدام و سپس، هیأت بر اساس آن اقدام به اصدار رأی می‌نماید که همان‌گونه که در تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون مزبور گذشت رأی صادره قطعی و لازم‌الاجراء می‌باشد.

۲,۲. ماهیت حقوقی نهاد حل اختلاف بورس اوراق بهادار

با عنایت به اینکه مقررات مربوط به تعریف، کارکرد، اعضاء و نیز اجرای آرای هیأت داوری بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بسیار مختصر بوده و جز چند ماده در مقررات گوناگون را در بر نمی‌گیرد؛ فلذا در خصوص ماهیت هیأت داوری بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران اختلاف نظر وجود دارد. اینکه ماهیت هیأت داوری را داوری به معنی اخص خود بدانیم یا آن را نهادی قضایی یا شبه قضایی به شمار آوریم و یا اینکه نهادی مستقل که ویژگی‌های خاص مربوط به خود را دارد هر کدام دارای طرفدارانی بوده که دلایل و استدلالات خاص مربوط به خود را نیز دارا می‌باشند که در هر صورت قائل شدن به هر کدام از این نظرات اثرات خاص خود را در مواجهه با هیأت داوری و اجرای آرای آن به همراه خواهد داشت.

برخی از اساتید ضمن تبیین اوصاف داوری اصطلاحی (داوری اختیاری) بیان می‌دارند که "هیأت داوری بورس گرچه از جهاتی با داوری مصطلح مشابهت دارد، از جهاتی هم قواعد و ویژگی‌های آن با داوری مصطلح متفاوت است. اما اینکه آیا این نهاد می‌تواند به عنوان یک مرجع رسیدگی اختصاصی غیردادگستری توصیف شود یا نه، قابل بحث و تأمل است" که در نهایت ضمن جمع‌بندی موضوع بیان می‌دارند که "در مورد هیأت داوری موضوع ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار این دیدگاه وجود دارد که یک نوع مرجع رسیدگی اختصاصی غیردادگستری است و با توجه به اجباری بودن صلاحیت و هیأت ترکیبی و نوع رسیدگی به داوری مصطلح شباهت کمتری دارد."^۳

^۳ عبدی‌پورفرید ابراهیم، مباحث تحلیلی از حقوق تجارت، صفحه ۲۲۱ الی ۲۲۴

برخی از صاحب‌نظران به مقایسه اوصاف و ویژگی‌های هیأت‌های داوری سازمان بورس اوراق بهادار با اوصاف و ویژگی‌های مراجع قضایی، نهاد داوری اختیاری و مراجع اختصاصی پرداخته و جمع‌بندی می‌کنند که هیأت‌های داوری، یک مرجع قضایی به معنی اخص نیست زیرا دو عضو از اعضای آن غیرقضایی بوده و بعلاوه منصوب قوه مجریه‌اند نه قضائیه. همچنین هیأت‌های داوری بازار اوراق بهادار، ماهیتاً داوری اختیاری نیز نیست زیرا از حیث منشأ اعتبار اعضاء، عدم تقید به زمان در رسیدگی‌ها، عدم دریافت حق‌الزحمه از طرفین دعوی، عدم امکان تغییر تعداد داوران و ... با داوری اختیاری موضوع آیین دادرسی مدنی متفاوت است. سپس می‌افزایند که "هیأت‌های داوری بازار اوراق بهادار، یک مرجع اختصاصی غیردادگستری «ویژه» است که می‌توان آن را به اعتبار شباهت عملکرد و رسیدگی آن با مراجع قضایی و به دلیل خاص بودن صلاحیت آن، یک مرجع «شبه قضایی» نیز نامید" و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کنند که "با وصف مزبور در نظام قضایی ایران، تأسیس مشابه این هیأت با کارکردها، وظایف، صلاحیت، ترکیب و میزان اعتبار آراء وجود ندارد."^۴

یکی دیگر از صاحب‌نظران در این حوزه بیان می‌دارد که "با ملاحظه ویژگی‌ها و خصوصیات مراجع اختصاصی و مقایسه آن با ویژگی‌ها و خصوصیات هیأت‌های داوری بازار اوراق بهادار، ملاحظه می‌گردد که هیأت‌های داوری بورس، شبیه به مرجع اختصاصی غیردادگستری است ولی مشابهت چندانی با داوری اصطلاحی و متداول ندارد" و برای تبیین نظریه خود به بررسی نکات مشترک بین ماهیت هیأت‌های داوری بازار اوراق بهادار و نیز ماهیت مراجع اختصاصی غیردادگستری و داوری اصطلاحی (اختیاری) می‌پردازد.^۵

در مقابل نظرات اتخاذشده فوق، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که در مورد ماهیت حقوقی هیأت‌های داوری بورس اوراق بهادار بیان می‌دارد که هیأت‌های داوری بورس علیرغم فاقد بودن بسیاری از ویژگی‌های داوری اختیاری، از نظر جوهر و ماهیت به داوری نزدیک‌تر است تا مرجع رسیدگی اختصاصی غیردادگستری چراکه موضوعات مورد رسیدگی در این داوری، حل و فصل اختلافات حقوقی فی‌مابین اشخاص حقوقی خصوصی است. در حالی که مراجع رسیدگی اختصاصی غیردادگستری، عموماً به اختلافات بین اشخاص حقوق عمومی و خصوصی رسیدگی می‌کنند.^۶

۲.۳. شیوه و الزام اجرایی آراء

^۴ میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲

^۵ رجب‌زاده‌اصطهباناتی علیرضا، ماهیت حقوقی و روش‌های حل و فصل دعاوی در بازار اوراق بهادار، صفحه ۱۸۴

^۶ به نقل از همان، صفحه ۱۸۶

مواد ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۴/۱۲/۰۹ مجلس شورای ملی^۷ که تا پیش از تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ حاکمیت داشت و نیز تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار، هر دو رویکردهای مشابه برای اجرای آرای هیأت داوری بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران دارند.^۸ تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون ۲۰۰۵ بیان می‌دارد:

"آرای صادر شده از سوی هیأت داوری قطعی و لازم‌الاجراست و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد."

براساس قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی و متمم‌ها و مقررات مرتبط آن، این سازمان می‌تواند یک حکم رسمی را اجرا کند.^۹ با این حال، این سازمان تنها می‌تواند اموال منقول و غیرمنقول طرف محکوم‌علیه را تصرف کند اما قادر به صدور تأمین خواسته یا هر گونه حکم اجرایی دیگر برای الزام اجرای اقدامات موقت هیأت داوری نمی‌باشد. تنها مسیر دیگری که از طریق اجرای ثبت در ماده ۱۷ قانون گذرنامه^{۱۰} و ماده ۲۰۱ آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء، پیش‌بینی شده است بحث صدور دستور ممنوع‌الخروجی می‌باشد. یعنی یکی از ضمانت‌اجراهایی که گاهی اوقات منتهی به الزام محکوم‌علیه به اجرای رأی داوری می‌باشد ممنوع‌الخروج کردن وی می‌باشد. اجرای ثبت، نامه‌ای خطاب به دادستانی کل کشور صادر و از ایشان درخواست می‌کند با توجه به اینکه محکوم‌علیه

^۷ ماده ۱۸ - در هیأت داوری بورس رسیدگی به اختلافات تابع تشریفات مقرر در آیین‌نامه مربوط خواهد بود. هر یک از طرفین اختلاف می‌توانند موضوع درخواست خود را به اطلاع هیأت داوری رسانده و تقاضای صدور رأی نمایند. هیأت داوری بورس باید فی‌المجلس به موضوع اختلاف رسیدگی و رأی خود را اعلام نماید.

در صورتی که رسیدگی و اعلام رأی در همان جلسه ممکن نباشد هیأت داوری باید حداکثر ظرف سه روز رأی خود را صادر و اعلام کند. رأی این هیأت لازم‌الاجراء است و اداره ثبت اسناد مکلف است که طبق مقررات راجع به اجراء اسناد رسمی آن را اجراء کند.

^۸ ماده ۱۹۴ آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب تیر ماه ۱۳۵۵: "صدور اجرائیه نسبت به آراء داوری بورس اوراق بهادار وفق ماده ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۴۵ و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرائی آن بعمل می‌آید." اصلاحیه این ماده مصوب ۱۳۸۷/۰۶/۱۱ عبارت است از: ماده ۱۹۴ اصلاحی - «صدور اجرائیه نسبت به آراء داوری بورس اوراق بهادار وفق تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به عهده ادارات و دوایر اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد.»

^۹ ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک: "مدلول کلیه اسناد رسمی راجع به دیوان و سایر اموال منقول بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه لازم‌الاجراء است مگر در مورد تسلیم عین منقولی که شخص ثالثی متصرف و مدعی مالکیت آن باشد."

^{۱۰} ماده ۱۷ قانون گذرنامه: «دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید.»

به صورت قطعی محکوم به پرداخت مالی به محکوم‌له شده و از اجرای حکم هم امتناع می‌ورزد، اجازه خروج وی را از کشور تا تعیین تکلیف قطعی بدهی خود، ندهند که چون موضوع خروج از کشور و تعامل با سایر کشورها، برای تجار از اهمیت وافری برخوردار است فلذا در برخی موارد منتهی به اجرای حکم می‌گردد. اما در خصوص نقیصه‌ای که در خصوص اجرای آرای هیأت داورى سازمان بورس اوراق بهادار از طریق اداره ثبت اسناد و املاک ذکر گردید، ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار باید به گونه‌ای تفسیر شود که محکوم‌له در صورتی که نتوانست اموالی متعلق به بدهکار بیابد یا در صورتی که بخواهد اقدام موقتی را اجرا کند، بتواند به بخش اجرایی دادگاه رجوع کند. با این حال، دادگاه شاید اجرای چنین آرای را پشتیبانی نکند مگر آنکه فرآیند به عنوان داورى در نظر گرفته شود. اگر اصرار بر این باشد که ماهیت هیأت داورى، ماهیتی ویژه و متفاوت از داورى است، تنها الزام اجرایی در دسترس، از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک خواهد بود که قادر به پوشش تمام انواع الزامات اجرایی نیست.

البته ذکر این نکته نیز قابل توجه می‌باشد که قانون‌گذار در ماده ۱۵ قانون "توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی" مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی با رویکرد جدیدی بیان داشته: "در صورتی که اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس و یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا که در بورس کالا پذیرفته می‌شود متضمن سود مصوب، سررسید شده یا تضمین شده باشد، باید به موقع و در چهارچوب مقررات توزیع و پرداخت شود. در صورت خودداری ناشران و شکایت صاحبان اوراق بهادار یا سازمان، موضوع در هیئت داورى قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران طرح و آراء صادره در این خصوص از طریق اجرای احکام دادگاه‌ها قابل اجرا است." در خصوص این ماده قانونی دو نکته قابل توجه می‌باشد. اول اینکه قانون‌گذار دعاوی عدم پرداخت سود از سوی ناشران را که پیش از تصویب آن در خصوص مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی بدان اختلاف وجود داشت در صلاحیت هیأت داورى موضوع ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار قرار داده است و دوم اینکه بحث اجرای آرای موضوع این ماده (عدم پرداخت سود از سوی ناشران) را بر عهده اجرای احکام دادگاه‌ها قرار داده است و نه اجرای ثبت اسناد و املاک.

۲،۴ الزام بین‌المللی آراء داورى اوراق بهادار

سؤالات مهم دیگر این است که آیا آرای صادره از هیأت داوری بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها الزام اجرایی دارند و دیگر اینکه آیا آرای داوری اوراق بهادار صادره در دیگر کشورها، در ایران الزام اجرایی دارند.

ایران از ۱۵ اکتبر سال ۲۰۰۱ عضو کنوانسیون پذیرش و اجرای آرای داوری خارجی نیویورک^{۱۱} (United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards) بوده است که به کنوانسیون داوری نیویورک یا کنوانسیون نیویورک (NYC) نیز مشهور است. مطابق با این کنوانسیون، کشورهایی که به عضویت آن درآمده‌اند، اجرای آرای داوری سایر کشورهای عضو را در کشور خود می‌پذیرند. براساس بخش دو ماده ۱ این کنوانسیون، این کنوانسیون نه تنها به آرای داوران موقت که توسط طرفین در یک دعوی انتخاب می‌شوند اعمال می‌گردد بلکه به آرای محاکم داوری دائمی نیز اعمال می‌گردد.^{۱۲} بنابراین در ابتدای امر به نظر می‌رسد که آرای هیأت داوری، مشمول NYC می‌گردد و در کشورهای طرف قرارداد الزام اجرایی دارد. با این حال، چندین مانع وجود دارد که باید بررسی گردد:

۱. همان‌طور که مستحضر می‌باشید، همچنان مشاجره اینکه ماهیت محکمه حل اختلاف در بازار اوراق بهادار ایران داوری است یا خیر وجود دارد.^{۱۳} به طور خلاصه، مجادلات، مرتبط با مشخصه‌های داوری می‌باشد. در دعاوی مطروحه در هیأت داوری موضوع ماده ۳۶ هیچ قرارداد داوری وجود ندارد و داوران توسط طرفین انتخاب نمی‌گردند. اگرچه دلیل مخالفان، محکم است، اما هنگامی که رأی باید در کشور دیگری اجرا گردد، بررسی ماهیت هیأت داوری موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران به عنوان محکمه داوری می‌تواند در عمل مفید باشد.

^{۱۱} کنوانسیون پذیرش و اجرای آرای داوری خارجی در ۱۰ ژوئن سال ۱۹۵۸ در نیویورک تصویب گردید که به کنوانسیون داوری نیویورک نیز مشهور می‌باشد. از زمان تصویب تا سال ۲۰۱۶، به طور پیوسته ۱۵۶ کشور به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند. برای دیدن لیست کشورهای عضو به منبع زیر نگاه کنید:

<<http://www.newyorkconvention.org/contracting-states/list-of-contracting-states>>.

^{۱۲} بند دو ماده یک کنوانسیون پذیرش و اجرای آرای داوری خارجی نیویورک: "مراد از احکام داوری نه فقط احکام صادره توسط داورانی است که در هر پرونده انتخاب می‌شوند بلکه شامل احکام صادره از نهادهای دائم داوری که اصحاب دعوی به آنها رجوع کرده‌اند نیز می‌باشد."

^{۱۳} برای مشاهده این مطلب می‌توانید به بخش ۲،۲ همین مقاله مراجعه نمایید.

۲. براساس قسمت دوم بند اول ماده ۴ کنوانسیون، برای پذیرش و اجرای آرای داوری، آن‌گونه که در این کنوانسیون ذکر شده است، طرف برنده باید یک توافق داوری ارائه نماید.^{۱۴} با این حال، هیچ توافق داوری بین کارگزاران و مشتریان در ایران وجود ندارد. رابطه آن‌ها توسط قانون، حکمیت می‌گردد تا قرارداد.

۳. کشورهایی نظیر استرالیا وجود دارند که در آن‌ها اختلافات بازار اوراق بهادار به روش‌های دیگری غیر از داوری حل می‌شوند. چنین آرای براساس قوانین کنوانسیون در ایران نمی‌توانند اجرا شوند.

نتیجتاً به نظر می‌رسد که اجرای رأی هیأت داوری بورس ایران در دیگر کشورها بسیار دشوار است. از این گذشته، اگر یک رأی (رأی داوری یا رأیی که به روش‌های دیگر به دست آمده باشد) نمی‌تواند بر اساس کنوانسیون نیویورک یا دیگر کنوانسیون‌ها اجرایی شود، باید توسط قوانین و مقررات داخلی در کشوری که اجرا در آن مد نظر است، حکمیت گردد.

۳. اجرای آراء داوری در بازار اوراق بهادار استرالیا

پیش از بررسی الزام اجرایی آرای داوری در بازار اوراق بهادار استرالیا می‌بایست با راهبردها و اصول فرآیند صدور رأی داوری در این بازار آشنا گردیده و بر اساس این فرآیند، ماهیت نهاد حل اختلاف این بازار را شناسایی نموده و سپس بحث الزام اجرایی آراء را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

۳,۱. فرآیند صدور رأی

^{۱۴} ماده ۴ کنوانسیون پذیرش و اجرای آرای داوری خارجی نیویورک: "۱. برای تحصیل شناسایی و اجرای احکام داوری مذکور در ماده قبل متقاضی شناسایی و اجرای حکم باید همزمان با تسلیم تقاضا نامه خود مدارک ذیل را نیز ارائه نماید: الف. نسخه اصل مصدق حکم یا رونوشت گواهی شده آن؛ ب. اصل موافقت نامه داوری مذکور در ماده دوم و یا رونوشت گواهی شده آن. ۲. هرگاه حکم یا موافقت نامه مذکور به زبان رسمی کشوری که در قلمرو آن به حکم داوری استناد شده است نباشد طرفی که شناسایی و اجرای حکم را تقاضا نموده مکلف به ارائه ترجمه این اسناد به آن زبان است صحت ترجمه بایستی توسط مترجم رسمی یا قسم خورده و یا مامور سیاسی یا کنسولی گواهی گردد."

به طور کلی فرآیند حل اختلاف مربوط به بازار اوراق بهادار استرالیا دو مرحله‌ای می‌باشد. مرحله اول، فرآیند IDR^{۱۵} (سیستم حل و فصل اختلاف داخلی) و مرحله دوم در سازمان‌های EDR^{۱۶} (سیستم حل و فصل اختلاف خارجی) است.^{۱۷}

از سال ۲۰۰۱، ارائه‌دهندگان خدمات مالی مکلف شدند بر اساس استانداردهای خاص، سیستم حل اختلاف داخلی در دسترس مشتریان خود داشته باشند که شاکی می‌بایست در صورت توافق مبنایی با کارگزار، ابتدا از طریق روش IDR شکایت خود را پیگیری نماید و چنانچه از نتیجه راضی نبود، می‌توانست مطابق با قلمرو قانون EDR طرح شکایت نماید. نهادهای مالی استرالیا ملزم به پیوستن به یک سازمان EDR مورد تأیید ASIC^{۱۸} (کمیسیون اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری استرالیا) می‌باشند. هم‌اینک دو طرح EDR در صنایع مالی و اعتباری استرالیا در حال عملیات و فعال می‌باشند: ۱. سازمان خدمات بازرسی مالی (FOS)^{۱۹}؛ ۲. سازمان خدمات بازرسی اعتبارات (CIO)^{۲۰}. اصطلاح "بازرس"^{۲۱} ممکن است به یک شخص یا مجموعه شامل یک یا چند نفر که عملیات بازرسی و رسیدگی را انجام می‌دهند اطلاق شود.^{۲۲}

¹⁵ *Internal Dispute Resolution*

¹⁶ *External Dispute Resolution*

¹⁷ Article 912A(2) of the Corporations Act 2001: "To comply with this subsection, a dispute resolution system must consist of:

(a) an internal dispute resolution procedure that:

(i) complies with standards, and requirements, made or approved by ASIC in accordance with regulations made for the purposes of this subparagraph; and

(ii) covers complaints against the licensee made by retail clients in connection with the provision of all financial services covered by the licence; and

(b) membership of one or more external dispute resolution schemes that:

(i) is, or are, approved by ASIC in accordance with regulations made for the purposes of this subparagraph; and

(ii) covers, or together cover, complaints (other than complaints that may be dealt with by the Superannuation Complaints Tribunal established by section 6 of the Superannuation (Resolution of Complaints) Act 1993) against the licensee made by retail clients in connection with the provision of all financial services covered by the licence."

¹⁸ Australian Securities and Investment Commission

¹⁹ Financial Ombudsman Service

²⁰ Credit and Investments Ombudsman

²¹ Ombudsman

²² Douglas H. Yarn, *Dictionary of Conflict Resolution* (Joss-Bass Inc. Publishers, 1999) 331.

سؤالی که اینجا پیش می‌آید این است که آیا برای طرفین، مراجعه به رویه‌های IDR یا EDR به جای طرح پرونده در دادگاه یا دیگر نهادهای حل اختلاف ضروری است یا خیر؟ قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۱ استرالیا به این سؤال در مورد کارگزاری‌ها پاسخ می‌دهد و بیان می‌دارد که آن‌ها باید مسیر این فرآیند را طی کنند.^{۲۳} با این حال، در مورد مشتری، بندهای حل اختلاف مبهم به نظر می‌رسند.

در عین حال که موافقت مشتری برای ارجاع شکایاتشان به یک سازمان حل اختلاف خارجی ضروری است، کارگزاران نمی‌توانند تقاضای مشتریان خود را رد کنند. به بیان دیگر، عضویت ارائه دهندگان خدمات مالی در FOS یا CIO شامل موافقت آن‌ها می‌گردد.

در فرآیند IDR هیچ رأی صادر نمی‌شود چراکه ذات رویه‌اش مذاکره است. بنابراین تنها سازمان‌های EDR در فرآیند نهایی خود تصمیم‌گیری می‌کنند که "تعیین تکلیف"^{۲۴} نام دارد و هیچ زمان مشخصی هم جهت اعلام تصمیمشان وجود ندارد.

در مورد انتخاب اعضای محاکم EDR، سازمان‌های حل اختلاف در بازارهای مالی استرالیا -FOS و CIO- هیچ‌گونه اختیاری به طرفین تفویض ننموده‌اند. در FOS، هیأت مدیره، بازرسان و دیگر اعضا را انتخاب می‌کنند که البته در این انتخاب، عوامل مختلفی از جمله بی‌طرفی شخص مورد انتخاب، معلومات، تجربه و ویژگی‌های شخصی مؤثر می‌باشد.^{۲۵} براساس ماده ۴ قانون CIO نیز هیأت مدیره، بازرسان را تعیین می‌کند و وی اختیار تعیین تکلیف، صدور رأی تعهدآور و مدیریت دیگر خدمات CIO را دارد.

۳,۲. ماهیت حقوقی نهادهای حل اختلاف بورس اوراق بهادار

از آنچه در بند قبل گذشت به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که از ویژگی‌های EDR این است که طرفین نمی‌توانند اعضای پنل یا بازرسانی که اختلافشان را بررسی می‌کنند در مرحله تعیین تکلیف انتخاب کنند.^{۲۶}

²³ Article 912A(2) of the Corporations Act 2001.

²⁴ Determination

²⁵ Article 2.1 of FOS Terms of Reference: "The Board of Directors of FOS appoints the Ombudsmen including the Chief Ombudsman. In making appointments, the Board will consider candidates' objectivity, qualifications, experience and personal qualities."

²⁶ Article 2.4 (ii) of FOS Terms of References & Article 4.3 of COSL:

"a) A FOS Panel will be comprised of:

(i) ... ;

همچنین رأی بازرسان برای مشتری تعهدآور نیست مگر اینکه شاکی (مشتری) خودش آن را بپذیرد. یعنی تصمیم نهاد EDR برای شاکی تعهد آور نیست مگر آنکه شاکی آن را بپذیرد.^{۲۷} از طرف دیگر از لحاظ زمانی نیز محدودیتی جهت اعلام رأی وجود ندارد.

نهایتاً اینکه اگرچه این بحث مطرح گردیده است که رویکرد تعیین تکلیف بازرسان شبیه به داوری است، با در نظر گرفتن این مشخصه‌ها، تفاوت‌های عمده‌ای بین این دو روش وجود دارد. اجماع طرفین برای رجوع به داوری و همچنین اختیار طرفین برای انتخاب جنبه‌های مختلف فرآیند، شامل داوران از مشخصه‌های اساسی داوری هستند. از سوی دیگر، داوری به عنوان روشی شناخته شده است که رأی آن برای هر دو طرف تعهدآور است و نه یک طرف. بنابراین به نظر می‌رسد که تعیین تکلیف، روش جدیدی است که با هیچ یک از تکنیک‌های داوری منطبق نیست.

۳،۳. شیوه و الزام اجرایی آراء

همان‌طور که پیش‌تر بحث شد، FOS و CIO در صورت رسیدن به مرحله تعیین تکلیف باید تصمیمی صادر کنند. با این حال، این تصمیم برای ارائه دهندگان خدمات مالی شامل کارگزاران، تعهدآور است در حالی که مشتریان می‌توانند آن را بپذیرند یا نپذیرند.^{۲۸} اگر یک شاکی تصمیمی را بپذیرد، یک رابطه قراردادی بین خود و طرف دیگر ایجاد می‌کند.

مشکل این رویکرد این است که طرف باید دادخواستی را به دادگاهی که صلاحیت دارد ارائه و تمام رویه آن را طی کند تا بتواند به حکمی بر اساس قرارداد دست یابد. بنابراین در چنین پرونده‌هایی، استفاده از فرآیند تعیین تکلیف FOS و CIO کاملاً بیهوده است چراکه شاکی باید از هزارتوی دعوی قضایی پس از صرف زمان زیاد در فرآیند عبور کند. با این حال، مسیر دیگر اجرایی نیز از طریق بازرسان در دسترس است.

(ii) for other kinds of Disputes -an Ombudsman and two Panel Members, one of whom is a consumer representative and one of whom is an industry representative.”

²⁷ Article 22.2 of COSL.

²⁸ Article 8.7(b) of FOS TOR and articles 21.3 and 26.2 of COSL Rules: “A Determination is a final decision and is binding upon the Financial Services Provider if the Applicant accepts the Determination within 30 days of receiving the Determination.”

ماده ۱۳،۷ قانون مرجع FOS بیان می‌دارد: "جایی که یک ارائه‌دهنده خدمات مالی نمی‌تواند به تعهدات خود تحت این قوانین مرجع عمل کند، FOS باید هر اقدامی را که مناسب می‌داند از جمله اخراج ارائه دهنده خدمات مالی از عضویت FOS در راستای اساسنامه FOS انجام دهد."^{۲۹}

CIO نیز ماده‌ای مشابه اما با جزئیات بیشتر دارد: "اگر یک عضو نتواند ۲۸ روز پس از اخطار کتبی، برای اجرای رأی CIO، عمل کند، CIO می‌تواند هر اقدامی را که برای اجرای رأی ضروری می‌پندارد شامل اما نه محدود به موارد زیر انجام دهد:

۱. اقدام برای تعلیق یا لغو عضویت عضو در CIO؛
۲. آگاه سازی ASIC از عدم اجرای رأی توسط عضو؛
۳. طرح رسیدگی حقوقی علیه عضو برای بازگردانی مبلغ مورد رأی؛ درخواست دستور دادگاه براساس رأی و بازگرداندن هزینه‌های ناشی از طرح رسیدگی‌ها توسط CIO؛
۴. و هر اقدام دیگری که CIO برای اطمینان از اجرای تعهدات عضو تحت اساسنامه CIO و این قوانین مناسب می‌پندارد."^{۳۰}

اگرچه هر دو سازمان اصرار دارند که آن‌ها صلاحیت هر گونه اقدامی علیه عضو برای تحمیل یک رأی که ضروری و مناسب می‌پندارند، دارا هستند، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اهرم آن‌ها تواناییشان در لغو یا تعلیق یک عضو محکوم است. از آنجا که عضویت یک سازمان حل اختلاف برای شرکت‌های کارگزاری اجباری است،^{۳۱} لغو یا تعلیق یک شرکت می‌تواند تمام فعالیت‌های آن را متوقف کند. با این حال، طرح رسیدگی‌های حقوقی زمان‌بر و گران است و ممکن است به عنوان آخرین راه حل استفاده شود. از سوی دیگر، لغو یا تعلیق طرف بازنده تنها زمانی مفید است که طرف پیروز یک مشتری باشد. به این ترتیب هنگامی که رأی به نفع یک عضو (به عنوان مثال یک شرکت کارگزاری) است، هیچ‌کدام از سازمان‌های بازرسی نمی‌توانند رأی را بر مشتری تحمیل کنند. بنابراین، تنها راه یک کارگزار برای اجرای یک رأی از

²⁹ Article 13,7 of FOS TOR: "Where a Financial Services Provider fails to meet its obligations under these Terms of Reference, FOS may take any action it considers appropriate including expelling the Financial Services Provider from membership of FOS in accordance with the FOS Constitution."

³⁰ Article 28 of COSL Rules.

³¹ Article 912A(2) of Corporations Act 2001.

طریق دعوی قضایی است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که اجرای آرای این سازمان‌ها در دیگر کشورها محتمل نیست چرا که از هیچ فرآیند داوری‌ای استفاده نمی‌کنند. این امر زمانی مشکل‌سازتر است که بیشتر حساب‌های بانکی و اموال بسیاری از ارائه‌دهندگان خدمات مالی، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بین‌المللی در کشورهایی به غیر از استرالیا می‌باشند.

۴. نتیجه

با ترکیب و تفسیر قوانین و مقررات مختلف، اثرات متشابهی را می‌توان پس از صدور رأی در محاکم حل اختلاف بورس‌های ایران و استرالیا یافت.

الزام اجرایی آرای داوری اوراق بهادار یک مسئله ناتمام در بورس اوراق بهادار ایران است که نیاز به تفسیر قانون کنونی دارد. الزام اجرایی تصمیمات تعهدآور در بورس اوراق بهادار دیگر از اهرم عضویت اجباری شرکت‌های کارگزاری در سازمان‌های حل اختلاف بهره می‌برد. به بیان دیگر، اگر شرکت‌های کارگزاری رأی را به اجرا نگذارند، سازمان‌های EDR در استرالیا می‌توانند عضویت کارگزار را لغو یا تعلیق کنند که این رویکرد می‌تواند توسط کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار ایران برای اطمینان از اجرای آرای داوری به کار رود.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق بازار سرمایه: حل اختلافات، انتشارات میزان، ۱۳۹۰؛
- عبدی پورفرد، ابراهیم، مباحث تحلیلی از حقوق تجارت (اوراق تجاری، بورس و اوراق بهادار، حق کسب یا پیشه یا تجارت)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دی ماه ۱۳۹۵؛
- رجبزاده اصطهباناتی، علیرضا، ماهیت حقوقی و روش‌های حل و فصل دعاوی در بازار اوراق بهادار، سازمان بورس، چاپ اول، ۱۳۹۲؛
- باقری، محمود، قابلیت داوری اختلافات ناشی از حقوق اقتصادی: ناکامی قراردادی در رجوع به داوری در دعاوی حقوق رقابت و حقوق بازار بورس، مجله تحقیقات حقوقی، سال ۱۳۸۷، شماره ۴۸؛
- هادی‌فر، داود، نهادهای حقوقی تنظیم مقررات؛ ساختار و ساز و کار اجرایی، تهران، عترت نو با همکاری جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۸۹؛
- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت‌شده در دعاوی مدنی، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲؛
- فنایی، سیدمجتبی، خودآموز بورس، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۹؛
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات دراک، چاپ نهم، ۱۳۸۶؛
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک، چاپ نهم، ۱۳۸۴؛
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۳، نشر دادگستر، ۱۳۷۴؛
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱؛
- اساسنامه کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار؛
- آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی؛
- دستورالعمل کمیته سازش کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار؛
- قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران؛
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران؛
- قانون بورس اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران؛
- قانون تجارت؛

• قانون تاسيس بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۴۵

• قانون ثبت اسناد و املاک

• قانون گذرنامه

منابع لاتین:

- Henry Brown & Arthur Marriott, ADR Principles and Practice (Sweet & Maxwell, 2nd ed, 1999);
- Stephen J. Ware, What Makes Securities Arbitration Different From Other Consumer and Employment Arbitration? (2008) 76 University of Cincinnati Law Review;
- Richard C. Reuben, Confidentiality in Arbitration: Beyond the Myth (2006) 54 University of Kansas Law Review;
- Jill I. Gross, "McMahon Turns Twenty: The Regulation of Fairness in Securities Arbitration" (2008) 76 U.Cin Law Review;
- Stephen Patrick Doyle and Roger Silve Haydock, Without the Punches: Resolving Disputes Without Litigation (Equilaw, 1991);
- United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards
- Corporations Act 2001
- Douglas H. Yarn, Dictionary of Conflict Resolution (Joss-Bass Inc. Publishers, 1999)
- FOS Terms of Reference

Abstract:

The securities exchange in Iran, as well as other countries, plays a crucial role in the economy. It commenced with the perceived need to link investors and companies by following the successful experiences of foreign countries. During the development of the securities exchange, many disputes have arisen between parties involved in such markets. Although litigation is the most common and widely-used method of dispute resolution in many legal regimes, there are a few problems associated with litigation in some judicial systems. As a result, securities exchange members have increasingly resorted to conciliation, mediation and arbitration (Alternative Dispute Resolution (ADR)) to resolve their disputes. There are many differences between commonly-used ADR methods with the arbitration and mediation in the securities exchanges and also there are differences among those countries which utilize them.

Dispute resolution institutes were first introduced to the Iranian stock exchange by the 1966 Act. However, they were changed in the 2005 Act and mediation and arbitration have become the methods for resolving securities disputes. On the other hand, External Dispute Resolution (EDR) schemes in Australia use various kinds of ADR techniques to deal with such disputes.

In Iran, disputants have to bring their dispute to the forums which are specified by the stock market Act. In contrast, in the Australian system, parties can choose to go to the EDR organizations after going through the IDR process. FOS and CIO organizations in Australia have been established in the form of the EDR.

key words: the securities exchange, dispute resolution, the Arbitration Board, arbitration